



## درس فارق فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۵ اسفند ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مسأله ۱۳- جهات شش گانه - جهت ششم: بررسی کفایت و عدم کفایت وطی در دبر -

مصادف با: ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۴۰

جهت هفتم: بررسی اعتبار انزال

جلسه: ۷۸

سال اول

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

درباره پنج جهت از جهات مورد بحث در مسأله سیزدهم مطالبی عرض شد. سه جهت دیگر باقی مانده است. همان طور که در گذشته نیز گفته شد، از این جهات چهار جهت در متن تحریر مورد تعرض واقع شده اما سایر جهات در تحریر ذکر نشده و مرحوم سید به این جهات اشاره کرده اند. یک جهت از این جهاتی که امام (ره) متعرض آن نشده اند، شمول حکم عدم جواز وطی زوجه بیش از چهار ماه نسبت به مرأه شائبه است.

#### جهت ششم: بررسی کفایت و عدم کفایت وطی در دبر

جهت ششم این است که اگر ما حکم به لزوم وطی و مواقعه در چهار ماه کردیم، آیا وطی در دبر کفایت می کند برای اینکه این حکم امتثال شده باشد یا نه. مرحوم سید فرموده اند: «و فی کفایة الوطء فی الدبر اشکال»، در اینکه وطی در دبر کافی باشد، اشکال است. این مسأله محل بحث است؛ برخی - که جمع قلیلی هستند - چه بسا حکم به کفایت وطی در دبر کرده اند؛ اما در مقابل، جمع کثیری معتقدند وطی در دبر کافی نیست. عمده آن است که بینیم دلیل بر کفایت یا عدم کفایت چیست.

#### دلیل قول به کفایت

کسانی که قائل به کفایت اند، معتقدند بسیاری از احکام و آثار وطی در قُبَل بر وطی در دبر هم مترتب می شود؛ مثل لزوم غسل، مسأله عده، یا همان طور که دخول در قُبَل به مقدار گفته شده موجب آن است که زن عده نگه دارد، در دبر نیز اگر این مقدار داخل شود، عده لازم است. لذا معتقدند چون احکام وطی در دبر در بسیاری موارد مانند احکام وطی در قُبَل است، بنابراین در این مقام هم وطی در دبر کافی است.

#### بررسی

به نظر می رسد این استدلال تمام نیست؛ چون:

اولاً: در برخی از احکام و آثار بین وطی در دبر و وطی در قُبَل تفاوت وجود دارد که اینها در جای خود بیان شده است. اینکه اینها در کثیری از احکام مشترک اند، دلیل بر آن نیست که در خصوص این مورد نیز مشترک باشند. در

اینجا باید به دلیل رجوع کنیم و دلیل را معیار و ملاک این حکم قرار دهیم. لذا نفس اشتراک این دو در بسیاری از آثار و احکام، نمی‌تواند دلیل بر جریان این حکم در مانحن فیه باشد.

ثانیاً: اساساً باید ببینیم بر طبق ادله، وجه اینکه چنین حکمی بر زوج و به نفع زوجه قرار داده شده چیست. آیا آن مقصود و منظوری که از این حکم بر طبق ادله قابل استفاده است و بیان شده، با وطی در دبر حاصل می‌شود یا نه. همان طور که کراً گفتیم، ظاهر نصوص و ادله - به خصوص آنچه از صحیحہ صفوان بدست می‌آید - آن است که این حکم یک نوع ارفاق به زوجه و توجه به نیازهای طبیعی او است و این با وطی در دبر حاصل نمی‌شود. لذا مجموعاً به نظر می‌رسد قول به کفایت وطی در دبر تمام نیست.

#### **دلیل قول به عدم کفایت**

همان طور که جمع کثیری فرموده‌اند و مرحوم سید نیز در متن عروه اشاره کرده‌اند، فی کفایة الوطی فی الدبر اشکال. عمده دلیل این قول، همان مطلبی است که در اشکال به دلیل قول به کفایت عرض کردیم. صرف نظر از اجماع که اشکال داشت، سایر ادله و مؤیدات عمدتاً همین معنا را اقتضا می‌کنند؛ ظاهر روایت صفوان این است که اگر این وطی بیش از چهار ماه ترک شود، اثم و گناه محسوب می‌شود. این برای چیست؟ با توجه به سؤال راوی که مردی زن جوانی دارد که به خاطر گرفتاری و مصیبت، مدت‌های زیادی است که وطی با او را ترک کرده است و امام(ع) هم فرموده‌اند: اگر بیش از چهار ماه ترک کند، گناهکار محسوب می‌شود؛ تناسب حکم و موضوع و سؤال و جوابی که در روایت نقل شده، نشان دهنده آن است که این یک ارفاقی نسبت به زوجه است. یعنی اگر این نیاز طبیعی برآورده نشود، ممکن است مشکلاتی پیش آید. لذا از آنجا که این حکم برای چنین منظوری جعل شده و این از تناسب حکم و موضوع بدست می‌آید و با وطی در دبر آن نیاز برآورده نمی‌شود، نمی‌توان آن را کافی دانست.

سؤال: اگر زوجه رضایت داشته باشد چطور؟

استاد: این مربوط به بحث استتنا است. إلا أن یکون باذنها؛ یعنی اگر ترک وطی به اذن او باشد پس در واقع با رضایت به وطی در دبر، اذن در ترک وطی در دبر داده است. اما اگر فرض این باشد که مردی می‌خواهد به این تکلیف عمل کند، اکنون سؤال این است که آیا با وطی در دبر، او دیگر گناهکار شمرده نمی‌شود؟ ظاهر امر این است که این کافی نیست؛ چون آنچه که می‌تواند ارفاق برای زن محسوب شود و نیاز او را برآورده کند و به طور طبیعی غریزه جنسی او را ارضاء کند، وطی در قبل است.

سایر ادله نیز به همان مقداری که بر این حکم دلالت می‌کنند این جا می‌توانند مورد استناد قرار گیرند. (چون فی الجملة در مورد برخی از ادله اشکالاتی مطرح بود). مثلاً در مورد لاضرر و لاجرح؛ این بحث مطرح بود که آیا در متعارف نساء با وطی در دبر آن ضرر و حرجی که در اثر ترک وطی بر زن عارض می‌شود، برطرف می‌شود؟ معلوم

است که نه؛ چون آن چیزی که می‌تواند آن نیاز را ارضاء کند و می‌تواند مصداق ارفاق به زوجه باشد، وطی در قُبُل است.

یا مثلاً «ما رَوَتْه العامة عن عمر» یا «روایت حفص عن ابی عبدالله(ع)»، مجموع این روایات را که انسان نگاه می‌کند، به نظر می‌رسد که نسبت به کفایت وطی در دبر همان اشکالی که مرحوم سید هم اشاره کرده‌اند، وجود دارد؛ لذا ما هم مثل مرحوم سید عرض می‌کنیم که فی کفایة الوطی فی الدبر اشکال<sup>۱</sup>.

#### جهت هفتم: بررسی اعتبار انزال

جهت هفتم که امام(ره) در متن تحریر به آن اشاره نکرده‌اند، آن است که اگر کسی ادخال در قُبُل کرد و انزال نکرد، آیا این برای عمل به این حکم کفایت می‌کند یا نه؟ آیا وطء بدون انزال یکفیی یا حتماً باید انزال هم صورت گیرد؟ این هم یک بحثی است که مرحوم سید درباره آن فرموده‌اند: «و کذا فی الادخال بدون الانزال [اشکال]»، همان طور که در کفایة وطی در دبر اشکال<sup>۲</sup>، فی کفایة الادخال بدون الانزال اشکال<sup>۳</sup>. لانصراف الخبر الی الوطی المتعارف و هو مع الانزال؛ چون خبر (روایت صفوان) منصرف به متعارف است و وطی متعارف آن است که در آن انزال صورت گیرد. اینکه امام(ع) در روایت فرموده‌اند کسی که وطی با زوجه را ترک کند آثم است، منظور وطی متعارف است و وطی متعارف مع الانزال است. کأن اگر انزال صورت نگیرد، لایتحقق عمل وطی.

همان طور که در متن عروه آمده، مرحوم سید قائل به اعتبار انزال است. گروهی دیگر نیز قائل به اعتبار آن شده‌اند؛ یعنی می‌گویند آن تکلیفی که بر زوج است که اگر آن کار را انجام دهد دیگر آثم محسوب نمی‌شود، عبارت است از وطی مع الانزال. در مقابل، عده دیگری قائل به این هستند که انزال الرجل لازم نیست؛ آنچه مهم است اصل تحقق وطی فی القبل است، ولو اینکه انزال هم صورت نگیرد.

#### دلیل قول به اعتبار انزال

دلیل قائلین به عدم اعتبار انزال عمدتاً همین است که مرحوم سید فرموده است. ایشان می‌گویند روایت صفوان بن یحیی که عمده مستند حکم عدم جواز ترک وطی زوجه است، منصرف به وطی متعارف است. اینکه امام(ع) فرموده «لا يجوز ترک وطی الزوجة اکثر من اربعة اشهر» [نقل به مضمون] این انصراف به وطی متعارف دارد. در نوع وطی‌ها، انزال واقع می‌شود. لذا چون منصرف به وطی متعارف است، بنابراین وطی غیر مقرون با انزال از شمول دلیل خارج است. این دلیلی است که ایشان در متن عروه نیز به آن اشاره کرده است.

#### بررسی

این دلیل محل اشکال است؛ چون:

اولاً: انصراف نیاز به منشأ دارد و کثرت و تعارف خارجی نمی‌تواند منشأ انصراف باشد. آنچه که منشأ انصراف است، کثرت و تعارف استعمال است که بارها به این مطلب اشاره کردیم. ولو خارجاً وطی غالباً و اکثراً همراه با انزال باشد، اما در مقام استعمال این چنین نیست. آنچه که می‌تواند منشأ انصراف قرار گیرد، آن است که لفظ وطی

در استعمالات عمدتاً و بیشتر در مورد وطی با انزال استعمال شود، در حالی که این چنین نیست؛ استعمال اعم است یعنی هم در وطی با انزال و هم بدون انزال به کار می‌رود. لذا وجهی برای انصراف ادعایی مرحوم سید و برخی دیگر نیست.

ثانیاً: آنچه مرحوم سید و برخی دیگر در اینجا فرموده‌اند، با مطلبی که ایشان در مسأله قبل فرموده، متنافی است. مرحوم سید در آخر مسأله ششم فرموده: «و لا فرق فی جواز العزل بین الجماع الواجب و غیره حتی فیما یجب فی کل اربعة أشهر». در مسأله ششم عروة بحث درباره جواز عزل است؛ یعنی انزال در فرج صورت نگیرد و خارج از فرج باشد. این مطلبی است که در مسأله چهاردهم تحریر درباره آن بحث خواهیم کرد که آیا اساساً عزل جایز است یا نه. مرحوم سید در ذیل مسأله ششم که درباره عزل است، فرموده در جواز عزل فرقی بین جماع واجب و جماع غیر واجب نیست. یعنی حتی در وطی واجب می‌توان عزل کرد و از انزال به درون فرج جلوگیری کرد پس ایشان فرموده حتی در وطی و جماعی که در هر چهار ماه واجب است؛ آنجا نیز عزل می‌تواند صورت گیرد.

اشکال این است که مطلبی که ایشان اینجا فرموده، با آنچه در ذیل مسأله ششم بیان کرده‌اند منافات دارد. چون اینجا انزال را معتبر می‌داند. معتبر دانستن انزال در وطی، ظهور در آن دارد که این انزال در درون فرج باشد؛ چون می‌گوید ادخال بدون انزال اشکال دارد. از آن طرف در مسأله ششم می‌فرماید عزل جایز است. معنای جواز عزل چیست؟ معنایش آن است که انزال داخل فرج نباشد. اشکال این است که اینها با هم ناسازگاری دارند؛ چون از یک طرف در کفایت ادخال بدون انزال اشکال می‌شود، و این یعنی آنکه انزال حتماً باید صورت گیرد اما از طرف دیگر در همین وطی واجب در هر چهار ماه حکم به جواز عزل کرده‌اند.

سؤال:

استاد: وقتی می‌گوییم انزال خارج از فرج باشد، فوقش این است که شما می‌گویید این صدق عنوان نمی‌کند و به تکلیف عمل نشده است. نهایت این است که اینجا نیز می‌گوییم کأنّ راضی است. اگر این همان موضوع باشد، پس به تکلیف عمل کرده است. اگر صدق عنوان نکند و موضوع آن حکم شمرده نشود، می‌گوییم وقتی خود زن رضایت می‌دهد، ولو آن وطی مورد نظر در دلیل، صدق نکند اما خود اینکه زن راضی است این را داخل در موارد استثنا می‌برد.

سؤال:

استاد: عبارت مرحوم سید این است: «و کذا فی الادخال بدون الانزال» یعنی و فی کفایة الادخال بدون الانزال اشکال. ظاهر عبارت این است؛ این ظاهرش آن است که انزال در رابطه با مرد است. البته یک احتمالی هم می‌توان داد که بعداً عرض خواهیم کرد و اینکه این در رابطه با زن باشد.

آنچه که الان در اینجا می‌توانیم بگوییم این است که اولاً باید ببینیم آیا منظور از این انزال، انزال الزوج است یا انزال زوجه. البته برخی نسبت به انزال زوجة اشکال دارند، ولی به گمان ما بالاخره زن هم انزال دارد اما کیفیت آن متفاوت است؛ همان طور که مرحوم صاحب جواهر در بحث بلوغ به این مطلب اشاره کرده است. بسیاری از فقها می‌گویند که زن منی ندارد و انزال درباره او صدق نمی‌کند؛ در حالی که هم منی دارد و هم انزال در او تحقق پیدا می‌کند. این مساعد و موافق نظر پزشکان هم هست. به هر حال یک حالتی برای زن پدید می‌آید که در اصطلاح پزشکی یا اصطلاح مربوط به خودش، امروزه از آن تعبیر به ارگاسم می‌کنند. یک حالتی که در آن به اوج هیجان و لذت جنسی می‌رسد و یک سستی بعد از آن برای زن عارض می‌شود.

اگر ما از این حالت تعبیر به انزال کنیم، این می‌تواند در مورد زن باشد یا در مورد مرد باشد. ما باید ببینیم کسانی که این بحث را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند فی کفایة الادخال بدون الانزال اشکال، اشاره به کدام یک از این دو دارند. آیا انزال زوج یا انزال زوجه؟ البته ظاهر عبارات انزال الزوج است؛ یعنی وطی کند ولی انزال برای مرد حاصل نشود.

نکته دیگر این است که اگر ما انزال را در رابطه با مرد در نظر گرفتیم، باید معلوم شود منظور کسانی که می‌گویند انزال الزوج معتبر است، آیا انزال فی داخل الفرج است؟ چه بسا منظورشان این باشد که انزال خارج الفرج باشد. اگر مطلق انزال منظور باشد، اعم از اینکه داخل فرج باشد یا خارج، در این صورت منافاتی با جواز عزل ندارد. منافات حکم به عدم کفایت انزال با جواز عزل در صورتی است که ما انزال را برای زوج، آن هم در داخل فرج معتبر بدانیم. یعنی بگوییم این وطی واجب در چهار ماه، منظور وطی‌ای است که در آن مرد انزال شود، آن هم در داخل فرج. اگر این باشد، این منافات با جواز عزل دارد.

ظاهر عبارت مرحوم سید همین است که وقتی می‌گویند انزال معتبر است، یعنی انزال الزوج فی داخل الفرج؛ در برخی روایات مخصوصاً روایاتی که درباره تحلیل مُطَلَّقِ ثَلَاثًا وارد شده، این تعبیر آمده که «حتی تذوقی عسیله» زن عسیله مرد را بچشد. تعبیری نظیر این در روایات آمده است. اینها به استناد برخی از این روایات می‌گویند این انزال از ناحیه زوج در واقع برای آن است که زن عسیله مرد را بچشد. اگر این باشد، این با جواز العزل منافات دارد. اما اگر گفتیم انزال الزوجه منظور است، دیگر اینجا تنافی وجود ندارد. یا اگر گفتیم انزال الزوج معتبر است مطلقاً ولو فی خارج الرحم، باز در اینجا این منافات وجود ندارد.

ثالثاً: اشکال دیگری در اینجا به مرحوم سید شده این است که این حکم با آنچه که مرحوم سید در مسأله بعد هم گفته‌اند منافات دارد و آن اینکه اگر روایت صفوان را حمل بر وطی متعارف کنیم، در وطی متعارف بوسیدن و استمتاع قبل الاجماع وجود دارد. در حالی که خود ایشان در مسأله بعد می‌گویند برای عمل به این تکلیف آن مقدمات لازم نیست و خود وطی واجب است.

«والحمد لله رب العالمین»